

یادداشت

ساماندهی نوین

از قدیم گفته‌اند نمی‌شود آدم کوسه و ریش پهن باشد؛ یعنی هم ادعای شرف و استقلال و مبارزه با استکبار داشته باشد و هم وادادگی اقتصادی و اداری و اجتماعی. هر هدف نیاز به روش کار هماهنگ با آن دارد. با این روش فعلی، یعنی شلختگی اقتصادی و مقرراتی، اصلا نیاز به وجود دشمن مکار و غدار و بی‌رحمی مثل اسرائیل نیست و همان‌طور که کیسینجر یک بار گفته بود، «ایران را به حال خود بگذاریم، خود فرو خواهد پاشید». اگر قرار است چنین باشد، باید دست از شعارها و شرف و استقلال و خودباوری برداریم و به جای هزینه فراوانی که کرده‌ایم و خواهیم کرد، راه نخست را انتخاب کنیم؛ که هرگز چنین نباشد.

تهران؛ پایتختی چندمرکزی

محورهای اصلی تخلیه اضطراری به صورت چندشاخه‌ای به سمت غرب، شرق، شمال شرق و جنوب غرب تعریف شود. مناطق صنعتی و نقاط دارای خطر بالای هدف‌گیری ازجمله مناطق اطراف جنوب شرق تهران، محدوده‌های نظامی غربی، و زون‌های صنعتی جنوب غربی به‌عنوان نواحی نیازمند پوشش حفاظتی ویژه، می‌توانند متناسب با معیار حساسیت و ضرورت نزدیکی به مرزهای منطقه کلان‌شهری، مکان‌یابی و بافت‌بندی مجدد شوند.

- توزیع متناسب، هماهنگ و دارای پوشش‌های چندپله در شبکه دفاع عامل با تاکید بر کردیورهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای و خروج پادگان‌ها و نهادهای نظامی از سطح شهر مطابق با اهداف قانون انتقال مراکز نظامی
- تغییر جهت الگوی کشاورزی رویاز به کشت متمرکز در حلقه‌های اول و دوم منطقه شهری تهران و توسعه کشاورزی شهری
- ایجاد نهاد فرااستانی منطقه شهری چندمرکزی

- توزیع تخصصی و کارای خدمات درمانی، مراکز لجستیک، انبارها، سیلوها و... متناسب با ویژگی‌های ماهوی و عملکردی شهرهای پیرامون تهران

- بازآرایی بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی بر پایه اصل تجمع بنگاه‌های اقتصادی دارای روابط بین‌صنعتی و نه بر پایه روال حاکم مبتنی بر مکان‌یابی شهرک‌های صنعتی و آن‌هم در کردیورهای خاص و نه همه کردیورهای منتهی به تهران

- افزایش منابع تولید انرژی در هر سه سطح کلان، میانی و خرد (سکونت) و افزایش پایداری شبکه
- ایجاد کردیورهای سبز بین شهرها و حلقه‌های پیشنهادی (شکل‌گیری شبکه اکولوژیک در سطح مجموعه شهری تهران).

در نهایت لازم به ذکر است که تغییرات ساختاری-فضایی به‌تدریج می‌تواند نقشی محرک در اقتصادی‌شدن فرایند عملکردهای موجود باشد اما نه به‌عنوان یک سیاست عمومی، بلکه به‌عنوان یک راهبرد پابر جای فرابخشی و بین‌بخشی و آمایشی، این نقشه راه را همه قلمروهای دارای ظرفیت شبکه‌ای در کشور باید طی کنند.

قوانین شهری چه فایده‌ای دارند؟

تازه با علم به اینکه آقای زاکانی و شهردارانش اکثرا شاید اطلاعات زیادی از قوانین و ضوابط شهری و اهمیت آن در کار عملی شهرداری نداشته باشند، نوک نیز فاجعه متوجه اقدام کارشناسانی می‌شود که در دستگاه شهرداری زیر بار رفته بودند که قوانین و مقررات را زیر پا بگذارند و در وضعیتی اضطراری و هیجانی، آلت دست قرار گیرند. آری، ما شهرزاران در حیرتیم که بعد از این امور شهر تهران در این دوران چگونه به پیش رانده خواهد شد؟

به هر روی، این یک اتفاق ساده نبود؛ به قول دکتر مرتضی جابری‌مقدم، استاد بهرسازی شهرداری تهران، «معلوم نیست این مجوزهای خطای از ضوابط مصوب شهری، با کدام منطق علمی-تخصصی و حکمرانی انطباق دارند؟». او با شجاعت و صداقت در وینپاری که روز ۱۷ تیرماه ۱۴۰۴، در پژوهشکده سوانح طبیعی و کرسی یونسکو تحت عنوان «تأملی بر رویکردهای بازسازی پساجنگ؛ مروری بر تجربیات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی»، و با سخنرانی دو وزیر اسبق راه و بهرسازی، دکتر عباس آخوندی و دکتر سعیدی‌کیا، و نیز بزرگان و مسئولان دولتی و دانشگاهیان با شرکت ۶۶۷ نفر به صورت مجازی برگزار شد، حق مطلب را به جا آورد و شهرداری را مورد نقد قرار داد.

اما همان یک هفته قبل، زمانی که ما در شوک بودیم و از چپ و راست چاره می‌جستیم... ابتدا صدای دبیر شورای‌عالی بهرسازی دکتر غلامرضا کاظمیان، معاون وزیر راه و بهرسازی به گوش‌مان رسید که طی مکاتبه با شهرداری تهران صراحتا گفته بود که دستورالعمل شورای شهرداران، غیرقانونی و در تعارض با ضوابط طرح تفصیلی است. و باید از ابلاغ و اجرای موارد مغایر اختیارات قانونی شهرداری ممانعت شود. مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، نیز در مکاتبه‌ای با زاکانی، شهردار تهران، این صورت‌جلسه را فاقد وجهت و اعتبار قانونی اعلام کرد. و ما امیدوار شدیم که ابلاغ آن به معاونت‌های بهرسازی مناطق پس گرفته خواهد شد. روشن بود که این «به‌اصطلاح تسهیلات اداری» دردی را از شهر بحران‌زده دوا نخواهد کرد و تغییر کاربری مسکونی، افزایش طبقه و سطح اشغال به بهانه شرایط جنگی، در راستای تضعیف تاب‌آوری شهری عمل خواهد کرد!

غلامرضا کاظمیان خطاب به زاکانی نوشت: «برخی مفاد صورت‌جلسه یادشده ازجمله تدوین دستورالعمل درباره تغییرات در ضوابط تراکم جمعیتی، ساختمانی، تعداد طبقات، سطح اشغال، تغییر عملکرد، ضوابط و مقررات باغ‌ها و فضای سبز صراحتا مصداق تغییرات طرح تفصیلی است... این دستورالعمل با برخی قوانین موضوعه نظیر ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها، قانون حفظ و گسترش فضای سبز شهرها، قانون نظام مهندسی و آیین‌نامه اجرائی آن، در تعارض است». دبیر شورای‌عالی بهرسازی و معماری همچنین اظهار کرد: این دستورالعمل نه‌تنها موجبات ناهماهنگی و عدم سهولت در فرایند اجرائی را فراهم خواهد آورد، بلکه حقوق عمومی شهر و شهروندان را خدشه‌دار کرده و عوارض و تهدیدات ناشی از آن افزایش می‌دهد. افزایش غیرمجاز و خارج از برنامه جمعیت‌پذیری کلان‌شهر تهران بدون تأمین زیرساخت‌های متناسب خدماتی، حمل‌ونقل، آموزشی و بهداشتی و... کاهش تاب‌آوری شهری در مواجهه با بحران‌های طبیعی یا انسان‌ساخت به واسطه افزایش بدون ارزیابی ظرفیت‌های سکونت و فعالیت، نقض اصول برنامه‌ریزی شهری، تحطی از ضوابط طرح جامع و تفصیلی مصوب و تضعیف حاکمیت قانون در مدیریت کلان‌شهر تهران، و ایجاد ناهنجاری کالبدی، محیطی و اجتماعی، تخریب کیفیت زندگی شهروندان و بی‌نظمی در توسعه فضایی پایدار را در پی خواهد داشت. بررسی‌های روزن آنلاین نیز نشان داد صورت‌جلسه ابلاغ‌شده مغایر با ملاحظات پدافند غیرعامل نیز هست. پرسش این است که چگونه ممکن است در شرایط جنگی، امتیازات ویژه‌ای در مغایرت با طرح تفصیلی تهران، با اهداف کلی «سهولت در فرایند‌های اجرائی»، «ایجاد رضایت‌مندی عمومی» و «کارآمدی نظام اداری» داده شود؟ و مهم‌تر اینکه چگونه می‌توان از توقف این دستورات اطمینان حاصل کرد؟ خلاصه اینکه این‌گونه اقدامات دل‌خواه شهرداری پیش‌بینی‌ناپذیر شده‌اند و دولت، حاکمیت و فعّالان تشکل‌های مردمی خوب است به هوش باشند.



نکاتی درباره مصاحبه پزشکیان

ضرورت تداوم دیپلماسی فعال



محمدحسین عمدادی

بازتاب داخلی مصاحبه رئیس‌جمهور بار دیگر نمایانگر دوقطبی‌سازی میدان و دیپلماسی است. برخی این گفت‌وگو را گامی مثبت در راستای دیپلماسی هوشمند و تلاش برای کاهش تنش‌های بین‌المللی دانستند، درحالی‌که برخی آن را نشانه‌ای از ضعف یا انحراف از مواضع انقلابی تلقی کردند. این واکنش‌های دوقطبی، ریشه در اختلاف‌نظرهای عمیق درباره نقش دیپلماسی در شرایط کنونی دارد. گزاره‌ای معروف در عالم سیاست وجود دارد که می‌گوید «جنگ زمانی آغاز می‌شود که باب دیپلماسی بسته شود». اما باید بدانیم که «هیچ جنگی در تاریخ، بدون دیپلماسی به صلح ختم نشده است». تاریخ نشان داده که حتی در اوج منازعات، مذاکرات پشت پرده و گفت‌وگوهای دیپلماتیک نقشی کلیدی در پایان‌دادن به درگیری‌ها داشته‌اند. جنگ جهانی دوم، بحران موشکی کوبا و حتی مذاکرات صلح ویتنام و افغانستان نمونه‌هایی از این واقعیت هستند. در شرایط کنونی که جهان با بی‌ثباتی بی‌سابقه‌ای مواجه است، دیپلماسی نه‌تنها راهی برای جلوگیری از جنگ، بلکه ابزاری برای مدیریت بحران‌های پیچیده و حفظ منافع ملی در برابر قدرت‌های متخاصم است. اما شرایط خاصی که ما در آن قرار داریم، ضرورت تداوم مذاکره را بیش از پیش حیاتی می‌کند. دلایل این ضرورت را می‌توان در چند محور اصلی بررسی کرد:

- بی‌ثباتی نظم جهانی**

نظم جهانی در ۷۰ سال گذشته، به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد، هرگز تا این حد پراشوب و بی‌ثبات نبوده است. منازعات اوکراین و جنگ‌های خاورمیانه، به‌ویژه تهاجم اخیر اسرائیل به ایران، نشان‌دهنده ضعف قوانین بین‌المللی و ناتوانی نهادهای جهانی در برقراری عدالت و میانجیگری است. واکنش‌های منفعلانه یا جانبدارانه قدرت‌های جهانی به این تهاجم‌ها، نشان می‌دهد که نمی‌توان به حاکمیت قانون یا داوری بین‌المللی امید داشت. در چنین شرایطی و در غیاب قوانین لازم‌الاجرا، دیپلماسی فعال می‌تواند اهرمی مهم برای ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی باشد که از منافع برحق ایران دفاع کند.

- ضعف نهادهای بین‌المللی**

نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل متحد، در میانجیگری و اجرای قوانین بین‌المللی به‌شدت ناکارآمدتر از پیش شده‌اند. آژانس‌های وابسته، مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به دلیل جانبداری یا نفوذ قدرت‌های غربی، گاه به ابزارهای سیاسی تبدیل شده‌اند و حتی اتهاماتی مانند جاسوسی در فرایند داوری به آنها وارد شده است. این ضعف ساختاری نشان می‌دهد ایران نمی‌تواند به این نهادهای برای تأمین منافع خود تکیه کند و باید از طریق دیپلماسی مستقیم و هوشمند، روابط خود را با بازیگران کلیدی مدیریت کند.

- جهان چندقطبی و رقابت قدرت‌ها**

جهان امروز به سمت یک نظام چندقطبی حرکت کرده است؛ جایی که قدرت‌های بزرگی مانند چین، روسیه و آمریکا نه‌تنها در پی تأمین منافع خود هستند، بلکه در رقابت شدیدی با یکدیگر قرار

دارند. رویکرد این قدرت‌ها در جنگ‌های ۲۵ سال گذشته، به‌ویژه در واکنش به تهاجمات اخیر اسرائیل به کشورهای منطقه، نشان‌دهنده اولویت منافع ملی آنها بر هرگونه تعهد به قوانین بین‌المللی است. در این شرایط، دیپلماسی ایران باید با انعطاف و هوشمندی از شکاف‌های موجود بین این قدرت‌ها بهره‌برداری کرده و ائتلاف‌هایی استراتژیک ایجاد کند. **● کاهش کیفیت رهبری سیاسی در جهان**

معدل کیفیت و ذکاوت رهبران سیاسی جهان، به‌ویژه در غرب، در نیم‌قرن گذشته رو به افول گذاشته است. در دو دهه اخیر، تصمیم‌گیری‌های تاکتیکی و کوتاه‌مدت، مانند رویکرد بدون راهبرد دونالد ترامپ در مواجهه با بحران‌های بین‌المللی، نشان‌دهنده کاهش عقلانیت و آینده‌نگری در دیپلماسی جهانی است. این وضعیت شکننده و عاری از تدبیر، دیپلماسی منطقی و عاقبت‌اندیشانه ایران را به یک ضرورت تبدیل می‌کند تا در برابر تصمیمات غیرقابل‌پیش‌بینی و خودخواهانه قدرت‌ها، منافع ملی حفظ شود.

- تشدید بحران‌های جهانی**

بحران‌هایی مانند گرمایش زمین، بیماری‌های همه‌گیر مانند کرونا و رکود اقتصادی، ظرفیت تحمل و تاب‌آوری کشورهای توسعه‌یافته را کاهش داده است. این امر مذاکره و هم‌اندیشی را به رقابت منفی و راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و خودخواهانه تبدیل کرده است. در چنین فضایی، دیپلماسی ایران باید با تمرکز بر گفت‌وگوهای چندجانبه و ایجاد اعتماد متقابل، راه را برای همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی هموار کند.

سلطه اسرائیل بر تصمیم‌گیری‌های آمریکا

نفوذ اسرائیل بر نظام تصمیم‌گیری آمریکا و عدم پاسخ‌گویی این رژیم به قوانین بین‌المللی، تحولات میدانی را تحت تأثیر اراده و سیاست‌های توسعه‌طلبانه آن قرار داده است. دیپلماسی ایران باید با هوشیاری، از طریق تمایز منافع بین آمریکا و اسرائیل و هشدار به عواقب خائنمان‌سوز، این نفوذ را خشی کرده و از طریق مذاکرات منطقه‌ای و جهانی، ائتلاف‌هایی علیه سیاست‌های یک‌جانبه اسرائیل ایجاد کند. **● با توجه به شرایط آشوبناک جهانی، ضعف نهادهای بین‌المللی، رقابت قدرت‌های بزرگ، کاهش کیفیت رهبری سیاسی جهان، تشدید بحران‌های جهانی و نفوذ اسرائیل بر تصمیم‌گیری‌های آمریکا، دیپلماسی هوشمند و فعال برای ایران نه یک انتخاب، بلکه یک اجبار حیاتی است.** دیپلماسی در کنار آمادگی دفاعی، می‌تواند ایران را در برابر تهدیدات خارجی محافظت کرده و منافع ملی را تأمین کند. مصاحبه‌هایی مانند گفت‌وگوی پزشکیان با کارلسون، هرچند جنجال‌برانگیز، می‌تواند بخشی از این دیپلماسی هوشمند و تأثیرگذار باشد که با هدف قراردادن مخاطب خارجی به دنبال اعمال عقلانیت، کاهش تنش‌ها و ایجاد فضای گفت‌وگو انجام می‌شوند. دستگاه دیپلماسی و رسانه ملی نیز به تبعیت از رئیس‌جمهور و در جهت منافع ملی باید با تکیه بر دیپلماسی انعطاف‌پذیر و هوشمند، جایگاه خود را در داخل تقویت کرده و از دوقطبی‌کردن دیدگاه‌ها در جامعه پیشگیری کند.

نانوایان شهرستان قم وانبوهی از مشکلات

داود علی بابایی

پژوهشگر مسائل اجتماعی

اقتصادی بازار است. او گفته دولت در سال ۱۴۰۲، حدود ۵۰ همت یارانه به نانوایان داده و این یارانه در سال ۱۴۰۴ به ۲۵۰ همت رسیده که نه دولت راضی است و نه مردم و نه نانو. از فروردین ۱۴۰۴ بیمه ماهانه مشاغل سخت و زیان‌آور از ۱۰ درصد به ۳۰ درصد افزایش یافته است و این ۲۰ درصد مازاد را باید کارگران به‌ویژه کارگران شاغل در نانوائی‌ها پرداخت کنند. از چند ماه قبل زمزمه افزایش قیمت نان در شهرهای مختلف به گوش می‌رسید، به طوری که در شورای اقتصاد استانداری شهر قم قیمت نان

به بهانه نصب تندیس آرش کمان‌گیر در میدان ونک

نمادهای ملی به‌مثابه پرچم‌های اتحاد وریسمان‌های اتصال

راشدپیری

نماد ملی (National Symbol) به معنای «هر نشانه مصنوعی یا طبیعی است که حامل معانی هویتی برای گروهی خاص باشد».

(چارلز سندرس پیرس، ۱۹۳۱).

نمادهای ملی در کشور ما از دیرباز نقش مهمی در بازآیابی هویت ملی، ایجاد اتحاد و همبستگی میان اقوام و گروه‌های مختلف کشور و جلوگیری از گسست اجتماعی ایفا کرده‌اند. این نمادها، مانند پرچم، سرود ملی، اساطیر، داستان‌های مشترک و شخصیت‌های تاریخی، به‌عنوان نمایانگر هویت، فرهنگ و تاریخ مشترک ملت ایران شناخته می‌شوند و مردم با تعلق خاطر به آنها، حس وحدت و همبستگی را تجربه می‌کنند. از سوی دیگر، نمادهای ملی به صورت غیرمستقیم موجب متمایزشدن ملت ایران از دیگر ملت‌ها شده و حس اتحاد ملی را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی تقویت می‌کنند. همین ویژگی سبب شد که در زمان‌های که سرزمین ایران فاقد دولت ملی بود، مردمی که خود را ایرانی می‌دانستند، با اتکا به همین عناصر و نمادهای هویت‌بخش ملی ایرانیت خود را حفظ کردند و آن را فریاد زدند. برای نمونه می‌بینیم که از جیحون تا قفقاز و از دجله تا سند نام ایران و سنن ایرانی در اشعار شاعرانی مانند فردوسی در توس، نظامی در گنجه و خاقانی در شروان، تاریخ سنن و فرهنگ ایرانی

بازگو شده تا در نهایت از سوی شاه اسماعیل صفوی به تشکیل یک دولت ملی با تأکید آشکار بر عناصر هویت ایرانی منجر می‌شود. گواه این موضوع ترویج رسم شاهنامه‌خوانی در لشکر صفوی و نیز انتخاب نام فرزندان شاه اسماعیل بر مبنای اساطیر شاهنامه است که حاکی از نگاه بنیان‌گذاران دولت صفوی به عناصر ملی در کنار بُعد مذهبی آن دولت است. نمادهای ملی و آیین‌های مرتبط با آنها، مفاخر ملی، اساطیر ملی و سایر مؤلفه‌های ملی به‌عنوان عناصر فرهنگی و اجتماعی، موجب نهادینه‌شدن حس همبستگی ملی شده و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کنند. این نمادها،

یادداشت

ناترازی در همه چیز



مجید لطفعلیان*

چطور انتظار دارید این سبک مدیریت که موجب ناترازی در همه‌چیز شده، موجب ناترازی در امنیت کشور نشود؟ از سبک مدیریتی که نگاهش نه بلندمدت و برای کشور که مبتنی بر منافع آنی گروهی بنا شده، چه انتظاری دارید؟

چه شده که انتظار دارید اگر در بخش صنعت و بازرگانی و نفت و پتروشیمی و سیاست و کشاورزی و شهرداری و هر جای دیگر، رانت‌خواری و پسرخاله‌بازی باشد، در بخش‌های دیگر نباشد؟ با این شیوه کشورداری انتظار دارید اختلاف‌ها تمام شود و امنیت اقتصادی داشته باشید؟

اقتصاددان شاخته‌شده کشور از «ناترازی برق»، «ناترازی گاز»، «ناترازی بنزین»، «ناترازی گازوئیل»، «ناترازی بودجه»، «ناترازی نظام بانکی»، «ناترازی ارز»، «ناترازی منابع آب و فرسایش خاک و آلودگی هوا»، «ناترازی صندوق‌های بازنشستگی» و «ناترازی بازار کار» می‌گوید. آیا کسی اجازه دارد از ناترازی امنیتی بگوید؟

چرا فکر می‌کنید گرنیش‌هایی که موجب به‌شدشدن ریزان حق‌گویان و بازشدن دهان چاپلوسان شده‌اند، راه نفوذ را می‌بندند؟ وقتی جوان خامی مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره چندین شرکت بزرگ دولتی می‌شود، مگر تا همین‌جای کار درست عمل شده که انتظار تاج در درست دارید؟ وقتی امروز وزیر نیرو می‌گوید برای پیشگیری از آسیب، باید تولید برق را پرکنده کنیم و به منازل ببریم، چه فرقی دارد با اینکه بگوییم برای حل مشکل کارت‌خواب‌ها، می‌خواهیم کارت‌های هفت‌لایه و نرم تولید کنیم؟ با این دست‌فرمان جز انتظار اتفادن در دره دارید؟

بله! از معدود حرف‌های درست مسئولان امروزی این است که ما دچار ناترازی عقلی هستیم. اینکه سر در آسمان و دل به رویاپردازی داشته باشیم. ناترازی عقلی است. اینکه دشمن‌تراشی کنیم ناترازی عقلی است. کسی که حرف از اعدام گروسی بزند و دنیا آن را محکوم کند، ناترازی عقلی است.

وقتی نگاه کنی مدیریت کشور به درآمدهای نفتی، به‌جای سرمایه‌گذاری و آینده‌نگری، آوردن سر سفره و خوردن باشد (که این تازه بیان بخش خوب قضیه است)، وقتی نگاه کلان مدیریت کشور، به‌جای رعایت چرخه آب و حفظ سرزمین برای آینده، حفر چاه یا وام‌های کوچک پرتعداد و مشاغل زودبازده باشد، همه‌چیز معلوم است. وقتی قرار است سرمایه خورده شود چه امیدی به ساختن فردا دارید؟ مگر مثل نرئوز با نفت برخورد کرده‌اید که انتظار نتایج اقتصادی مشابه آن را دارید؟

چرا فکر می‌کنید سخنرانی افراد بانفوذ، فقط رانت اقتصادی ایجاد می‌کند و کاری با امنیت ندارد؟ به‌تازگی رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفته: «وقتی دغدغه اصلی برخی در کشور سک‌گردانی شده بود و همه درگیر مقابله با این مسئله بودند، اسرائیل داشت در داخل کشورمان پیهاد تولید می‌کرد».

به‌تازگی در اخبار داخلی پر شده از روایت روزنامه آمریکایی که نوشته: «شنود مکالمات و تماس‌های مقامات ایرانی نشان داد آسیب‌ها رسیده به تأسیسات هسته‌ای ایران در اثر حملات آمریکا، کمتر از آن چیزی است که انتظار می‌رود». با ذوق و شوق بخش دوم گزارش را پررنگ می‌کنند که آسیب کم بوده، ولی من به بخش اول توجه می‌کنم! «شنود مکالمات و تماس‌های مقامات ایرانی!» آن هم پس از این اتفاقات اخیر!

«استاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری